مسعود پزشکیان چه ایده‌هایی برای اقتصاد دارد؟ کاندیدای اصلاح‌طلبان چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی دارد؟

راست‌گرایی از دنده چپ

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

«۱به۵»، «پدیده انتخابات»، «دومین خرداد اصلاح‌طلبان»؛ اینها الفاظی است که بعد از تایید صلاحیت مسعود پزشکیان در رسانه‌ها و صفحات شخصی افراد نزدیک به اصلاحات بازنشر پیدا کرده است. وی ازجمله افرادی بود که بعد از جلسه اصلاحات برای معرفی نامزد مورد حمایت، نامش بعد از عباس آخوندی و قبل از اسحاق جهانگیری قرار داشت. حالا او تنها گزینه اصلاح‌طلبی است که قرار است در انتخابات ۱۴۰۳ حضور داشته باشد و اصلاح‌طلبان رادیکال چاره‌ای جز حمایت از پزشکیان و مشارکت در انتخابات ندارند، حتی اگر به‌زعم برخی از آنها پزشکیان همه مولفه‌های مطلوب آنها را برای معرفی به‌عنوان گزینه اصلاح‌طلب نداشته باشد. اگرچه سرنوشت رقابت انتخاباتی ۱۴۰۳ را مناظرات انتخاباتی و اظهارات نامزدها مشخص خواهد کرد اما حالا اصلاح‌طلبان تنها یک نامزد دارند که باید با تمام قوا برای پیروزی او تلاش کنند. در این میان پزشکیان قابلیت‌ها و ضعف‌هایی دارد که می‌تواند در پیروزی و شکست او در انتخابات تیرماه تعیین‌کننده باشد.

اصلاحات در موقعیت یکدستی برای مشارکت

از زمان اعلام تایید صلاحیت مسعود پزشکیان چهره‌های متفاوتی از اصلاح‌طلبان صراحتا حمایت خود از او را اعلام کردند. محمدرضا عارف، معاون اول خاتمی ازجمله افرادی بود که بعد از اعلام تایید صلاحیت او به دیدارش رفت و صراحتا از او حمایت کرد. محمدجواد ظریف و علی ربیعی وزرای دولت روحانی نیز ازجمله افرادی بود که از پزشکیان حمایت کردند. محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر خاتمی نیز از مسعود پزشکیان حمایت کرد و به این موضوع اشاره کرد که رقابت اصلی انتخابات ۱۴۰۳ میان پزشکیان که پدیده انتخابات است با محمدباقر قالیباف خواهد بود. آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات بعد از تایید صلاحیت پزشکیان نوشت: «تایید صلاحیت دکتر پزشکیان را به فال نیک می‌گیریم. در این صحنه نابرابر برای پیروزی تلاش می‌کنیم.» اعلام حمایت چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی از طیف‌های مختلف نشان می‌دهد اصلاح‌طلبان بعد از تجربه شکاف و دودستگی که از دوران روحانی تشدید شده بود، حالا بهانه‌ای برای اتحاد و یکدستی دارد. این اتفاق از آنجا که یک رویداد مثبت برای آنها به‌شمار می‌رود و امکان سنجش شانس آنها برای ورود به رقابت را فراهم می‌کند. در طرف دیگر راه بهانه‌جویی برای اصلاح‌طلبان و قرار دادن خود در موضع مظلوم را می‌بندد، حالا اصلاح‌طلبان علاوه‌بر اینکه چاره‌ای ندارند که ضمن حمایت از مسعود پزشکیان با تمام‌قوا به عرصه رقابت بیایند، دیگر بهانه‌ای هم ندارند تا با اتکا به آن روی این موضوع پافشاری کنند که امکان حضور آنها در قدرت از سمت نظام حکمرانی فراهم نمی‌شود و آنها حذف شده‌اند.

با کدام پزشکیان مواجهیم؟

عدالت، مخالفت با تبعیض، نگرانی از تورم و وضع بد اقتصادی و معیشتی، کلیدواژه‌هایی است که در روزهای انتخاباتی به وفور از زبان نامزدهای انتخاباتی شنیده می‌شود. در این زمان معمولا ادبیات نامزدها به آنچه مطلوب مردم است نزدیک‌تر و گاهی شعارها بدون توجه به واقعیات جامعه مطرح می‌شود. معمولا کمتر می‌توان فهمید که نگاه واقعی نامزد به مسائل اقتصادی که اصلی‌ترین دغدغه مردم به شمار می‌رود، چیست. در حال حاضر که هنوز نامزدهای انتخاباتی به صورت جدی وارد فضای انتخاباتی نشده‌اند، بهترین راه برای فهم نگاه آنها گریز زدن به صحبت‌ها و اظهارات‌شان در زمانی است، که خبری از تبلیغات انتخاباتی نبوده است. در همین چهارچوب برخلاف آنچه تصور می‌شود، نگاه مسعود پزشکیان به مسائل اقتصادی در منتهی‌الیه تفکر چپ خط امامی وجود دارد اما پزشکیان در حوزه اقتصادی، در مورد چالش‌های اقتصادی، لیبرال‌ترین نظرات را داشته که اجرای نسنجیده آن آسیب قابل توجهی به معیشت مردم وارد می‌کند. اعتقاد به بازار آزاد در اظهارات پزشکیان موج می‌زند. او البته خود نیز صراحتا به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «من معتقد به بازار آزاد و اخذ مالیات از مردم هستم. باید سازوکاری تعیین شود که براساس کدملی، کدپستی، واحدهای مالیاتی تشکیل دهیم و آن را به بانک‌ها متصل کنیم.» اعتقاد به حذف یارانه و سوبسیدها در کنار ایده‌های بازار آزادی او قرار می‌گیرد. پزشکیان معتقد است «اگر یارانه‌ها حذف شوند» و سوبسیدها تنها «به دهک‌های پایین تعلق گیرد، مشکلات اقتصادی حل می‌شود.» پزشکیان معتقد است یکی از موضوعاتی که منجر به بروز فساد می‌شود، دادن سوبسیدهاست: «هیچ‌جای دنیا آن‌طور که ما سوبسید می‌دهیم، سوبسید نمی‌دهند، چراکه گندم را از کشاورز ۴۰۰۰ تومان گرفته و آن طرف مرزهای ما ۱۰ هزار تومان خریداری می‌شود.» او لزوم خصوصی‌سازی در همه حوزه‌ها به‌جز بهداشت و درمان را قابل قبول می‌داند. پزشکیان از جمله افرادی است که معتقد است قیمت بنزین باید به «قیمت بازار آزاد» یعنی ۲۰ هزار تومان به فروش برسد و این اتفاق «به نفع مردم» است. پزشکیان در فروردین ۱۴۰۰ درپاسخ به اینکه برنامه او برای بازار بورس چیست گفت: «برنامه‌ام در وهله اول، شنیدن سخن کارشناسان، طبق شواهد علمی است.» نگاهی به این اظهارات نشان می‌دهد که پزشکیان علاوه‌بر نظرات لیبرالی خود در حوزه اقتصاد، به شوک‌درمانی در اقتصاد چندان بی‌میل نیست. البته نظرات و ایده او که تجربه آن در سال‌های گذشته از جانب برخی دولت‌ها اجرا شده، نشان می‌دهد قرار نیست برنامه اقتصادی ویژه‌ای برای حل چالش‌های اقتصادی از جانب پزشکیان ارائه شود، البته اگر برخی از این ایده‌ها منجر به واردشدن آسیب بیشتر به اقتصاد نشود.

دفـاع از منافع ملی در جریان ناآرامی‌های ۱۴۰۱

مسائل و موضوعات ملی ازجمله مواردی است که پزشکیان در اظهارات خود آن را به‌عنوان یک اصل پذیرفته و هیچ زمان از آن کوتاه نیامده است. پزشکیان از جمله افرادی است که در برهه‌های خاص و حساس کشور که شکاف‌های اجتماعی به سمت تعمیق شدن حرکت می‌کرده درست وسط این شکاف ایستاده و از منافع ملی دفاع کرده است. اتفاقات ۱۴۰۱ و ناآرامی‌هایی که در جامعه رخ داده ازجمله برهه‌هایی است که او ضمن مطرح کردن انتقادات خود، هیچ زمان اصول ملی را زیر پا نگذاشته است.

۱. توضیح دهید ما مقصر نیستیم

بعد از اتفاقی که برای مهسا امینی رخ داد، در شرایطی که شبهات زیادی در مورد انتشار مدارک پزشکی مهسا امینی در میان افکارعمومی و فضای مجازی مطرح می‌شد. نقدی که پزشکیان به آنچه منتشر شده بود وارد می‌کند، در این رابطه بود که می‌بایست «شفاف‌سازی درمورد آنچه اتفاق افتاده» صورت گیرد و ادامه داد: «باید بیاییم بگویم وضعیت چطور بوده و ما مقصر نبودیم.» پزشکیان نهایتا موضعی در چهارچوب منافع ملی می‌گیرد. او به این موضوع اشاره می‌کند که آنچه منجر به بدتر شدن شرایط در ماجرای مهسا امینی شده، نبود شفافیت در توضیح آنچه اتفاق افتاده بوده است. امری که در آغازین روزهای انتشار خبر فوت مهسا امینی فضا را برای انتشار اخبار ضدونقیض، غیرواقعی و متناقض باز کرد و حتی بعدها از زبان مقامات نیروی انتظامی مورد تایید قرار گرفت که دیر اعلام کردن جزئیات فوت مهسا امینی منجر شد فضا برای رسانه‌های فارسی‌زبان باز شود. پزشکیان در اظهارات خود ضمن اینکه تایید نمی‌کند نیروی انتظامی در این ماجرا مقصر بوده، تنها روی این امر تاکید دارد که «باید جزئیات را به مردم بگوییم و بگوییم که ما مقصر نیستیم.» تاکیدی که بارها از جانب دیگر افراد درون نظام حکمرانی نیز مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است.

۲. اگر سپاه نبود، کشور تجزیه می‌شد

پزشکیان حتی در اوج ناآرامی‌های پاییز که فضای سیاسی آنقدر ملتهب شده بود که برخی از سیاسیون اصلاح‌طلب در دام حمایت از آنچه در خیابان‌ها می‌گذشت افتاد بودند و برخی هم ترجیح دادند سکوت کنند، از اصول و منافع ملی کوتاه نیامد. در اوج ناآرامی‌های پاییز وقتی یکی از دانشجویان دانشگاه شریف، به نقد او پرداخت و به ماجرای پوشیدن لباس سپاه توسط او و دیگر نمایندگان بعد از شهادت حاج قاسم اشاره کرد، گفت: «بازهم لباس سپاه می‌پوشم. سپاه با آنچه الان می‌بینید متفاوت است. اگر سپاه نبود الان ما را تجزیه کرده بودند و تمام شده بود.» پزشکیان ضمن درک شرایط پاییز ۱۴۰۱ و اجرای پروژه تجزیه به این موضوع اشاره می‌کند که در تمام برهه‌های حساس تاریخی، سپاه بوده که کشور را از افتادن در دام تجزیه نجات داد.

۳. در هیچ کجای دنیا نیروی انتظامی را نمی‌زنند

درگیری‌هایی که در اوج ناآرامی‌های پاییز در خیابان رخ می‌داد، برخوردها و کتک زدن ماموران نیروی انتظامی توسط آشوبگران و تصاویری که از آن منتشر می‌شد، ازجمله اتفاقاتی بود که در میانه ناآرامی‌ها واکنش‌های زیادی به همراه داشت. رسانه‌های فارسی‌زبان روی موج به وجود آمده سوار می‌شدند و برخوردها با نیروی انتظامی را در قالب اعتراض مدنی سفیدشویی می‌کردند و آن را یک واکنش اعتراضی منطقی به آنچه رخ می‌داد، تعبیر می‌کردند؛ مسعود پزشکیان از جمله اصلاح‌طلبانی بود که صراحتا نسبت به آنچه اتفاق می‌افتاد، واکنش نشان داد و گفت: «در هیچ جای دنیا نیروی انتظامی را نمی‌زنند، حتی اگر نیروی انتظامی بد عمل کند؛ چون نیروی انتظامی نباشد امنیت در کشور نیست. نیروی انتظامی و پلیس تامین‌کننده نظم و امنیت عمومی است که اگر نباشد انضباط جامعه بر هم می‌خورد و نباید با نیروی انتظامی برخوردهای اینچنینی داشت که در این چند وقت شاهد بودیم.»

اظهارات او نشان می‌دهد، او برخلاف دیگر اصلاح‌طلبانی که به بهانه جلب آرای بخشی از جامعه در دام حمایت از ناآرامی‌ها افتادند اما به‌خوبی این امر را درک کرده بود که آنچه در اتفاقات ۱۴۰۱ هدف قرار گرفته بود، امنیت ملی و اقتدار کشور است. به همین منظور هم به این امر اشاره می‌کند که تضعیف نیروی انتظامی منجر به تضعیف امنیت عمومی خواهد شد.

فرصت‌ها

مسعود پزشکیان حالا قرار است روی یکی از شش صندلی مناظره بنشیند و با پنج رقیب دیگر مناظره کند. این دور از انتخابات البته برای او مزیت‌هایی هم به همراه دارد و او تنها گزینه اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۳ خواهد بود. با این فرض پزشکیان فرصت‌هایی در انتخابات ۸ تیر دارد که تکیه بر آنها می‌تواند شانس پیروزی او در انتخابات تیرماه را افزایش دهد.

۱. تک‌گزینه‌ای بودن و اجماع داشتن اصلاحات

در مهلت پنج‌روزه ثبت‌نام در خرداد ماه، چهره‌های اصلاح‌طلبی که برای نام‌نویسی به ستاد انتخابات رفتند، چندان شاخص نبودند، برخی از آنها مثل عباس آخوندی، حسین شریعتمداری، اسحاق جهانگیری، چهره‌هایی بودند که در دولت روحانی مسئولیت داشتند و با توجه به اینکه خاطر جمعی هنوز تجربه دولت روحانی را از یاد نبرده بود، احتمال رای‌آوری آنها در انتخابات خیلی پایین به نظر می‌رسید. از طرفی بخشی دیگر از اصلاح‌طلبان معتدل نیز معتقد بودند اگر لاریجانی در انتخابات تایید شود، باید روی او اجماع صورت گیرد. جبهه اصلاحات هم باردیگر روی گزینه مشارکت مشروط تاکید کرد و با برگزاری جلسه زودهنگام، گزینه‌های مورد حمایت خود برای ریاست‌جمهوری را اعلام کرد. عباس آخوندی فردی بود که بیشترین رای را در جلسه اصلاحات از آن خود کرد. رای اصلاحات، نقطه شروع نقدهای درون اصلاحات به تصمیم جبهه اصلاحات بود. بروز این اختلاف‌ها این گمانه را تقویت کرد که اصلاح‌طلبان در موقعیتی مثل انتخابات اسفندماه قرار خواهند گرفت. اعلام نظر شورای نگهبان و تایید صلاحیت مسعود پزشکیان اما محاسبات اصلاح‌طلبان را به کلی تغییر داد. تایید صلاحیت تنها یک گزینه از میان اصلاح‌طلبان، برای آنها اتفاق مثبتی به شمار می‌رفت، اصلاح‌طلبان حالا چاره‌ای ندارند جز اینکه روی مسعود پزشکیان اجماع کنند. علاوه‌براین نام پزشکیان در میان گزینه‌های مورد حمایت اصلاحات نیز به چشم می‌خورد. دیگر قرار نیست بخش زیادی از توان اصلاح‌طلبان معتدل روی راضی کردن رادیکال‌ها برای حمایت از نامزد انتخاباتی صرف شود و حالا این حمایت گریزناپذیر است. در حال حاضر مسعود پزشکیان گزینه‌ای مطلوب و میانه‌رویی برای اصلاحات به شمار می‌رود که می‌تواند شکاف درون اصلاح‌طلبان را تا حد قابل قبول کاهش دهد. امری که برای پزشکیان نیز مثبت خواهد بود و اگر خاتمی تکرار کند و اصلاحات عزم خود را جزم کند که بدنه اجتماعی خاموش را به حضور پای صندوق رای ترغیب کند، همه آرای اصلاح‌طلبان به سبد رای مسعود پزشکیان ریخته خواهد شد.

۲. ظرفیت قومیتی

مسعود پزشکیان در نزدیک به پنج دوره مجلس، نماینده مردم تبریز بوده است. او اصالتا نیز اهل این شهر است. آذری‌زبان بودن مسعود پزشکیان با توجه به اینکه او در برهه‌های مختلفی مواضع محکمی علیه پان‌ترک‌ها و افرادی که به تجزیه‌طلبی دامن می‌زدند، گرفته است، می‌تواند ظرفیت مثبتی برای او به همراه داشته باشد. پزشکیان در اظهارات خود تلاش می‌کند ملیت ایران را به‌عنوان یک اصل مطرح کند. او تقریبا در هیچ برهه‌ای از این اصل کوتاه نیامده است. اما با توجه به آذری‌زبان بودن او و نمایندگی او در پنج دوره مجلس از تبریز، ضمن فاصله‌گذاری با ایده‌های پان‌ترکی که رنگ و بوی تجزیه‌طلبی دارد این قابلیت را دارد که با تکیه براین ظرفیت قومی بخشی از آرای خود را افزایش دهد.

۳. چهره نبودن و رای منفی نداشتن

مسعود پزشکیان در دولت اصلاحات وزیر بهداشت بوده است. او چهره گمنامی در صحنه سیاسی به شمار نمی‌رود اما در میان افکارعمومی چندان شناخته‌شده نیست. افکارعمومی از او خاطره مثبت یا منفی ندارد که بتواند روی رای او در انتخابات تاثیرگذار بگذارد، بالا بودن آمار سرچ نام پزشکیان در گوگل، هم این را تایید می‌کند که نگاه مثبت یا منفی در افکار عمومی درباره پزشکیان وجود ندارد و البته سوالاتی درمورد او وجود دارد. ناشناخته بودن اگرچه در شرایط فعلی و زمان کوتاه انتخابات می‌تواند نقطه منفی برای پزشکیان باشد اما وجه مثبت او پررنگ‌تر است. باتوجه به اینکه افکارعمومی از هرکدام از نامزدها تصویری در خاطر دارند و در مقابل این تصویر برای پزشکیان وجود ندارد، اقبال او برای جهت دادن افکارعمومی و جذب رای آنها بیشتر خواهد بود.

۴. تشتت در پایگاه رقیب

پزشکیان می‌تواند از فضای سیاسی که در جناح اصولگرایی وجود دارد، به نفع خود استفاده کند. برداشت جناح اصولگرایی این بود که انتخابات ۱۴۰۳ به رقابت درون جناحی تبدیل خواهد شد، بر این اساس ترکیب حضور نامزدها با این نگاه چیده شده است. اگرچه برای قضاوت درمورد اینکه نامزدهای اصولگرا حاضر خواهند شد به نفع یکدیگر کنار روند، زود است، اما درحال حاضر چند نامزد از جناح اصولگرایی در کارزار انتخابات حضور دارند که هرکدام برای رفتن به پاستور ادعا دارند و این احتمال کنار رفتن هریک به نفع دیگری را کاهش می‌دهد. پزشکیان می‌تواند از چنددستگی که درون اصولگرایان ایجاد شده، به نفع خود استفاده کند و آرای اصلاح‌طلبان را به‌تنهایی از آن خود کند. شرایط فعلی انتخابات در مواردی به انتخابات ۹۲ و چنددستگی اصولگرایان شباهت زیادی دارد. اما با توجه به اینکه این بار گزینه اصلاح‌طلبان، نیابتی نیست و اصولگرایان با توجه به تجربه دولت رئیسی و اتفاقی که برای شهید رئیسی افتاد، این ظرفیت را در خود می‌بینند که بتوانند بخشی از رای رئیسی را از آن خود کنند و به پاستور برسند. از این جهت شرایط، شباهتی به نارضایتی بعد از دولت احمدی‌نژاد ندارد و هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان با شرایط تازه‌ای روبه‌رو هستند.

محدودیت‌ها

در نقطه مقابل پزشکیان با محدودیت‌هایی نیز همراه است که این پیروزی او را سخت و غیرقابل‌دسترس می‌کند؛

۱. عدم مقبولیت در بدنه تحریمی اجتماعی اصلاح‌طلبان

به نظر نمی‌رسد او در میان بدنه تحریمی اصلاح‌طلبان مقبولیت چندانی داشته باشد، با توجه به برخی موضع‌گیری‌های پزشکیان برخی اصلاح‌طلبان او و مواضعش را به جناح اصولگرایی نزدیک می‌دانند، برهمین مبنا احتمال جذب رای اصلاح‌طلبان رادیکال توسط پزشکیان کاهش پیدا خواهد کرد. به نظر نمی‌رسد پزشکیان مولفه‌های داشته باشد که بتواند همه بدنه تحریمی اصلاح‌طلبان را پای صندوق رای بیاورد و به سبد رای خود اضافه کند. از طرفی با توجه به کمتر شناخته‌شده بودن، درحالی‌که حامیان دیگر نامزدها تا الان تحرکاتی داشتند، هنوز در بدنه اجتماعی جامعه، موج حمایتی به راه نیفتاده است. احتمالا این هم کار پزشکیان را برای جذب رای سخت خواهد کرد.

۲. ناشناخته بودن و عدم اطمینان‌بخشی

ناشناخته بودن پزشکیان در مواردی می‌تواند برای او نقطه ضعف هم به حساب بیاید؛ چراکه با توجه به فرصت کم او برای جذب رای، احتمال ایجاد یک موج اجتماعی تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند. اگر این نکته را بپذیریم که افکار عمومی به‌دنبال رای به کسی هستند که در وهله اول اطمینان داشته باشند که او برای کشور ثبات به همراه خواهد داشت. در این نگاه شانس پزشکیان برای پیروزی کاهش پیدا می‌کند؛ چراکه افکار عمومی تصوری از سابقه کار اجرایی او نداشته است و احتمال اینکه برای رای دادن به او اطمینان کنند، کمتر از بقیه نامزدها خواهد بود.

۳. عدم تسلط روی سیاست خارجی

در حوزه کار اجرایی پزشکیان روی یکی از مسائل اساسی و چالش‌برانگیز کشور، یعنی سیاست خارجی، تسلط کافی و لازم را ندارد، برای مثال در زمان نمایندگی مجلس پزشکیان ازجمله افرادی بود که با اف‌ای‌تی‌اف مخالف بود اما وقتی از او پرسیده بودند که چرا با آن مخالف است، گفته بود «نمی‌دانم چیست اما با آن مخالف هستم.» مخالفت او بدون نظر تخصصی این سوال را ایجاد می‌کند که او اگر رئیس‌جمهور شود هم قرار است با مسائل سیاست خارجی مواجهه‌ای اینچنینی داشته باشد؟ اگرچه بخشی از این ضعف تحلیلی را تیم کارشناسی می‌تواند پوشش دهد اما در نگاهی دیگر باید نگاه و برنامه دولت برای پیگیری در حوزه سیاست‌خارجی برای نامزد ریاست‌جمهوری مشخص و معین باشد و خود درکی از اصل مساله داشته باشد.

۴. عدم تسلط روی اقتصاد

پزشکیان در موضوعات اقتصادی نیز تحلیل و نگاه دقیقی ندارد. او در مواردی مثل بنزین و یارانه‌ها از شوک‌درمانی دفاع می‌کند، راه‌حل ساده‌ای که بخش زیادی از بار آن روی دوش جامعه می‌افتد و هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند و تبعات اجتماعی این تصمیم را هم افزایش می‌دهد. تجربه این مدل تصمیم‌گیری در دولت‌های گذشته نیز وجود داشته، تصمیماتی که به‌خاطر فقدان ایده هزینه‌های زیادی به جامعه تحمیل کرده است. امری که نگاهی به اظهارات پزشکیان نیز این گزاره را تقویت می‌کند که قرار نیست در دولت احتمالی او اتفاق ویژه‌ای در حوزه اقتصاد رخ دهد، مگر اینکه پزشکیان این خلأ ایده را با تیم تخصصی در حوزه اقتصاد پر کند.

ادامه در صفحه۷

سلیمی‌نمین: در انتخابات تیرماه اصلاح‌طلب‌ها متفق و اصولگرایان متفرقند

ازجمله موضوعات قابل بررسی انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، ترکیب نامزدهای آن و چالش‌های پیش روی آنها است. عباس سلیمی‌نمین، کارشناس مسائل سیاسی کار اصولگرایان برای این دور از انتخابات را به دلیل اجماع نداشتن روی یک نامزد سخت می‌داند و توضیحاتی در این باره داده است که در ادامه می‌خوانید.

* * *

به نظر شما فضای انتخابات ۱۴۰۳ به سمت رقابتی شدن خواهد رفت؟ باتوجه به حضور یک نامزد اصلاح‌طلب و چند نامزد اصولگرا این رقابت چقدر جدی خواهد شد؟

انتخابات قطعا از لحاظ مشارکت افزایش چشمگیری خواهد یافت چراکه رقابتی است. در ظاهر این رقابت به نفع اصولگرایان است اما واقعیت امر این نیست؛ چون جمع کردن سلایق مختلف در یک طیف کار بسیار پیچیده و سختی است. این امر در مورد اصلاح‌طلبان به صورت طبیعی صورت گرفته، یعنی فقط یک نفر از اصلاح‌طلبان تایید صلاحیت شده است. این موضوع عملا اتفاق و یکپارچگی را قبل از اینکه مساله به طیف اصلاح‌طلبان برگردد رقم زده است. برخی افراد تایید صلاحیت شده‌اند اما وجودشان صرفا تفرق آرا و نه تقویت آن است. این بحث قابل تاملی است. مثلا برای برانگیختن احساسات گفته شود که ما یک به پنج هستیم. در حالی که این ترکیب لیست نامزدهای تاییدشده یک امتیاز ویژه برای اصلاح‌طلبان در بر دارد. بنابراین اصلاح‌طلبان متفق و اصولگرایان متفرق هستند.

در این فضا، چهره‌های ناشناخته چقدر شانس پیروزی بر دیگر رقبا دارند؟ اساسا شانس پیروزی برای چهره‌های شناخته‌شده بیشتر است یا چهره‌های کمتر مطرح؟

آقای پزشکیان فرد ناشناخته‌ای نیست. ایشان هم وزیر و هم نایب رئیس اول مجلس بوده. اتفاقا همین دوره هم تایید صلاحیت شد و به مجلس راه یافت. این فردی که از جانب اصلاح‌طلبان آمده از قبل هم رای‌گیری شده بود و نفر دوم اصلاح‌طلبان محسوب می‌شد. بنابراین به‌عنوان فرد مورد وثوق اصلاح‌طلبان است.

در سمت اصولگرایان اما با شرایطی مواجه هستیم که باید در این فرصت کوتاه تلاش کنند این پنج نفر را به یک یا دو نفر تنزل دهند. آیا در این فرصت کوتاه چنین چیزی ممکن است؟ در عین حال به نظر می‌رسد نیازی نبود برخی از اصولگرایانی که در عرصه مدیریت نه‌تنها از خودشان قوتی نشان نداده بودند بلکه ضعف‌های جدی بروز داده بودند مدیریت‌شان در حد بالاترین سطح مدیریت در کشور تشخیص داده شود. ما نمی‌توانیم در افرادی که صلاحیت‌شان به‌عنوان اصولگرا احراز شده چنین توانمندی را سراغ بگیریم.

بنابراین این محل بحث است آیا در این فرصت کوتاه تشکیلات اصولگرایان می‌تواند تعداد را کاهش دهد؟ در حالی که این امر در سمت اصلاح‌طلبان به‌صورت طبیعی صورت گرفته است. قانع کردن فلان اصولگرا که به نفع اصولگرای دیگر کنار برود امر بسیار سختی است. حتی در موقعی که فرصت‌ها هم وجود داشته این امر چندان راحت نبود. فراموش نکنید در دورانی که هم آقای روحانی و هم آقای عارف نامزد بودند، اصلاح‌طلبان متوسل به آقای خاتمی و دیگران شدند و درنهایت هرکاری کردند که آقای عارف کنار برود اما ایشان قبول نکرد و گفت من اصلح هستم. اصلاح‌طلبان درنهایت جلسات آقای عارف را بر هم زدند و دو تا از همایش‌هایش را به صورت جدی مختل کردند و این پیام را به آقای عارف رساندند که اگر به حرف تشکیلات و سازمان اصلاح‌طلبی توجه نکنند آنها عملا جلساتش را مختل خواهند کرد. این هزینه خیلی بالایی برای اصلاح‌طلبان داشت اما الان بدون هیچ هزینه‌ای این مساله برایشان حل شده است و از آن طرف در این فرصت کوتاه اصولگرایان باید در پی حل این مساله باشند که همان‌طور که عرض کردم کار سختی است؛ به‌ویژه که برخی نهادهای مدنی که بحث اتحاد را دنبال می‌کردند و قصد وفاق داشتند را به‌شدت مورد حمله قرار دادند تا گروه‌های مرجع را از بین ببرند و در انتخابات‌های گذشته ضربه‌های جدی زدند. امروز امیدواریم برخی از کسانی که توسط شورای نگهبان به درست یا غلط تایید صلاحیت شدند خودشان را از قسمت‌های فرعی کنار بکشند و امکان رقابت را منطقی‌تر کنند.

ایمانی: فاصله پزشکیان با سکولارهای اصلاح‌طلب زیاد است

مسعود پزشکیان به‌عنوان یکی از شش نامزد حاضر در رقابت بر سر ریاست جمهوری، مورد حمایت و پشتیبانی جبهه اصلاحات واقع شده و از او به عنوان نماینده این طیف یاد می‌شود. این در حالی است که ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی معتقد است اصلاح‌طلبان اجماع کاملی روی آقای پزشکیان نخواهند داشت. به همین منظور و برای بررسی فضای سیاسی این دور از انتخابات با این کارشناس مسائل سیاسی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

* * *

به نظر شما فضای انتخاباتی با حضور یک نامزد اصلاح‌طلب به چه شکل پیش خواهد رفت؟

خوب است که ما یک کاندیدا از جناح اصلاح‌طلب داریم. البته فعلا نمی‌شود آقای پزشکیان را اصلاح‌طلب دانست و شاید بتوان گفت وجهه اصولگرایی‌اش بیشتر از اصلاح‌طلبی‌اش است. از طرف دیگر شاید ۵ تا ۶ نفر بیشتر نداشتیم که ثبت‌نام کردند مابقی بیشترشان اصولگرا بودند. سهمی بخواهیم نگاه کنیم از ۶ نفر یک نفرشان اصلاح‌طلب است. اگر بخواهیم سهمی نگاه کنیم با توجه به تعداد ثبت‌نام‌کنندگان عدد خوبی برای اصلاح‌طلبان است؛ چراکه تعداد ثبت‌نامی‌هایشان کم بود یعنی اگر بخواهیم نسبت بگیریم به نسبت کسانی که ثبت‌نام کردند ۵ نفر از اصولگراها و یک نفر از اصلاح‌طلب‌ها نسبت خوبی است. البته به نظر من سهم زیادی است، نمی‌خواهم بگویم کسی این سهم را داده است. اما سهم یک نفر نسبت به تعداد ثبت‌نام کنندگان، سهم خوبی است.

همین نکته‌ای که اشاره کردید اینکه تعداد کمی اصلاح‌طلب ثبت‌نام کرده‌اند. اما در رای‌گیری جبهه اصلاحات آخوندی و پزشکیان رای آوردند. قبل‌تر از آن اصلاح‌طلب‌ها مدام از این صحبت می‌کردند که حذف شده‌اند. این تایید صلاحیت، آیا راه را برای بهانه‌گیری‌ها می‌بندد؟

دفعه‌های قبل و انتخابات قبل هم همین‌طور بود. اصلاح‌طلبان ثبت‌نام نمی‌کردند و نیرو در میدان نمی‌آوردند و بعد هم وقتی کاندیدایی ثبت‌نام نمی‌کند از سمت آنها، قاعدتا کسی هم تایید صلاحیت نمی‌شود. بعد هم می‌گفتند اصلاح‌طلبان را حذف کرده‌اند. یک حالت مظلوم‌نمایی نسبت به اصلاح‌طلبان همواره در انتخابات قبلی بود. اصلاح‌طلبان متاسفانه رویه‌شان این است. این هم یک رویه اخلاق مدارانه در عالم سیاست نیست. آنها وقتی که در قدرت نیستند، مدام این فریاد را می‌زنند که ما در قدرت نیستیم و ما را حذف کردند. وقتی قدرت را به دست می‌گیرند ژست اپوزیسیون گرفته و بعد اعلام می‌کنند نمی‌گذارند کار کنیم. اینها به لحاظ منطق سیاست به هم نمی‌خواند. اگر واقعا قصد دارید که در عالم سیاست وارد نشوید، فکر می‌کنید به شما اجازه حضور در عالم سیاست را نمی‌دهند پس چرا در هر انتخابات می‌گویید ما را حذف کردند؟ اگر می‌خواهید وارد عالم سیاست شوید و بعد آرای مردم به شما تعلق می‌گیرد، چه در ریاست جمهوری و چه در مجلس؛ پس مستمرا وقتی در قدرت هم هستید یک ژست مظلوم می‌گیرید و می‌گویید که نمی‌گذارند کار کنید؟ اگر واقعا فکر می‌کنید که نمی‌گذارند کار کنید، چرا می‌خواهید در قدرت بیایید؟ اگر می‌خواهید در قدرت بیایید، پس بیایید ثبت‌نام کنید. وقتی ثبت‌نام می‌کنید، طبیعی است که یک‌دسته یا برخی‌ها حذف شوند. اکنون از اصولگراها چقدر در انتخابات حذف شدند؟ شما هم همین‌طور است. بحث اصولگرا و اصلاح‌طلب نیست، من این رفتارها را رفتارهای غیردموکراتیک در عالم سیاست می‌دانم. با همه این حرف‌ها شما اگر دقت کنید، بعد از انقلاب اسلامی بیشتر زمام قدرت در دست جریان اصلاح‌طلب بود. هیچ‌وقت این را عنوان نمی‌کنند. هم ۱۰ سال اول انقلاب، باز هم قدرت در دست این جریان بود. ما هم دفاع می‌کنیم. من منتقد نیستم. تنها منتقد این هستم که چرا وقتی قدرت دست شما بود، این را انکار می‌کردید؟ چرا خودتان را موقع پاسخگویی کنار می‌کشید؟ هر مشکلاتی که امروز نظام با آن مواجه است، بخش عمده‌ای از آن را باید شما پاسخگو باشید. ۱۰ سال اول انقلاب تا رحلت امام قدرت به‌طور مطلق در دست شما بود. دولت و حتی مجلس و قوه قضائیه هم دست شما بود. اگر نگوییم دوره اول، اما دوره دوم قطعا در اختیار این جریان بود. بعد هم ۸ سال دولت آقای خاتمی، بعد هم ۸ سال دولت آقای روحانی بود. به‌هرحال قدرت به‌طور عمده دست شما بود. ژست اپوزیسیون گرفتن و مظلوم‌نمایی به نظر من فرار رو به جلو بوده و معلوم است که به لحاظ سیاسی، اخلاق سیاست را نمی‌دانند یا می‌خواهند به‌نوعی مرد رندی کنند! این کار کار درستی نیست. بیایید در انتخابات شرکت کنید. بسیار هم کار پسندیده‌ای است. قاعدتا عده‌ای رد صلاحیت می‌شوند و عده‌ای تایید صلاحیت می‌شوند. اکنون نگاه کنید، چهره‌های شاخص اصولگرایی نه به این معنا که افراد مهمی هستند نه، بلکه قصدم این است که بگویم وقتی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب شما رد صلاحیت شده‌اند، دقت کنید می‌بینید با همه شاخص‌هایی که اصلاح‌طلب‌ها داشتند باز هم اصولگرایان شاخص‌های مهم‌تری را دارا بودند اما به‌هرحال رد شدند. اینکه درست بود یا غلط، آن مساله مرتبط با عملکرد شورای نگهبان است.

ما استقبال می‌کنیم اصلاح‌طلبان در هر انتخاباتی بیایند، کاندیدا معرفی کرده و شرکت کنند. بیایند و در قدرت شرکت کنند. در بخشی از قدرت یا همه قدرت، درصورت تمایل و رای مردم مشارکت کنند و قرار بگیرند. اما اگر در قدرت قرار می‌گیرید، ژست‌های آنچنانی نگیرید و مظلوم‌نمایی هم نکنید. خودتان را هم تدارکچی ندانید. یکی از روسای جمهور اصلاح‌طلب که نمی‌خواهم اسمش را بیاورم، می‌گفت ما یک تدارکاتچی بیشتر نیستیم. دیگر از این کلمات به‌کار نبرید! بیایید و در قدرت شرکت کنید. قدرت را به دست بگیرید. مسئولیتش را بپذیرید و بگویید ما از این مقدار تورم، رشد نقدینگی، بیکاری و قیمت ارز؛ این میزان را مسئول هستیم. هر مقداری که مسئول هستید. قصدم نیست که بگویم مسئولیت همه مقدار قیمت ارز و بیکاری و... با شماست، نه؛ بخشی که مسئولیت دارید را به عهده بگیرید و بعد هم در قدرت قرار گیرید. این نمی‌شود که جلو بیایید و اگر رد شدید، بگویید که ببینید آقا ما را از قدرت حذف کردند! تازه گاهی ثبت‌نام هم نکرده‌اید. بعد هم اگر رای مردم به شما تعلق گرفت، می‌گویید که نمی‌گذارند کار کنیم.

نکته‌ای که درباره پزشکیان مطرح است، این است که او و شاید آنقدرها هم در سطح ملی چهره شناخته‌ای نیست. به نسبت دیگر چهره‌ها کمتر شناخته شده است. به نظرتان این ناشناخته بودن‌شان می‌تواند به نفع‌شان باشد یا به ضررشان؟

من اساسا نسبت به ساختار انتخابات‌مان در کشور اعتراض دارم. معتقدم این ساختار باعث توسعه کشور نخواهد شد. در ابتدا این را بگویم اولا ما در انتخابات سال‌های گذشته داشتیم که چهره ناشناخته‌ای آمد و یکباره رئیس جمهور شد. مانند ۷۶ و ۸۴. آیا این یک مزیت محسوب می‌شود؟ یعنی ما باید خوشحال باشیم از اینکه یک چهره ناشناخته رئیس جمهور می‌شود؟ الزاما نه. الزاما نباید خوشحال باشیم. امری که در تمام این بحث‌ها درحال فدا شدن است، کارآمدی یک رئیس جمهور است. یعنی این موضوع کمتر مورد توجه است. فضا این‌گونه است که یک فرد ناشناخته می‌آید و اموری را مطرح می‌کند که به مذاق بخشی از مردم خوش است. ممکن است منجر به رای‌آوری فرد شود و آن فرد هم بشود رئیس جمهور. خب چه کسی قرار است کشور را اداره کند؟ آن وقت ما هستیم و یک چهره ناشناخته که صحبت‌های هیجانی پیش از انتخابات را مطرح کرده و امکان عملی شدن‌شان وجود ندارد. آن وقت کشور می‌ماند و رئیس جمهوری که معلوم نیست چقدر کارآمدی و توانمندی دارد. هماهنگی میان وزرا، میان قوا، کار اجرایی، مسائل بودجه، مسائل سیاست فنی و خارجی، مسائل فرهنگی و اجتماعی بسیار مهم است. متاسفانه گرفتار این مسائل شدیم که فرد گمنام است یا صاحب‌نام؟ نه گمنام بودنش به اعتقاد بنده ارزش محسوب می‌شود و نه صاحب‌نام بودنش. ما باید ملاک‌مان این باشد که چه کسی می‌تواند کشور را اداره کند؟ آیا آقای پزشکیان با توجه به تجربیات کارهای اجرایی و شناخت دقیق مشکلات می‌تواند بهتر اداره کند یا آقای پورمحمدی یا جلیلی، قالیباف، قاضی‌زاده هاشمی یا زاکانی؟ باید به مساله این‌گونه نگاه کنیم. آیا گمنام بودن آن به نفع است؟ بستگی دارد که چقدر فضا هیجانی شود. البته من این را با تاسف می‌گویم. چون هیجانی شدن فضا محاسنی دارد و مشارکت را بالا می‌برد. بر این مساله شکی نیست. اما نتیجه این مشارکت بالا و فضای هیجانی، چه رئیس جمهوری است؟ کدام دومین شخص کشور است؟ چه کشوری است؟ چه کسی چهار یا هشت سال دولت آینده خواهد بود؟ من این را نمی‌دانم. ممکن است قرعه به نام کشور بیفتد. ممکن است نیفتد. یعنی رئیس جمهور آینده ناکارآمد باشد. چه‌کار باید کرد؟ باید چهار یا حتی هشت سال تحمل کرد.

در صحبت‌هایتان گفتید آقای پزشکیان را نمی‌توان اصلاح‌طلب دانست. البته خودش هم مشکلی با این موضوع ندارد و حتی گفته است که من اصولگرا هستم. این را چگونه می‌بینید؟

اصلاح‌طلبان الان طیف‌شان به اندازه‌ای وسیع است که اطلاق یک نام اصلاح‌طلب روی آنها کار غلطی است. ما افرادی به نام اصلاح‌طلب داریم که کاملا سکولار هستند و معتقد به مبانی سکولاریسم هستند. همچنین به‌صراحت هرگونه مبانی حاکمیت اسلامی را با توجه به تعریف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی رد می‌کنند و قبول ندارند، یعنی مبانی حکومتی که می‌خواهند در آن قدرت را به دست بگیرند اساسا قبول ندارند. امری به نام حاکمیت دین بر قوانین کشور و بعد هم زمامداری ولی‌فقیه را حتی با توجه به بیانات بنیانگذار فقید انقلاب و قانون اساسی نمی‌پذیرند. ما در اصلاح‌طلبان از این طیف داریم تا طیف‌های نسبتا تکنوکرات لیبرال که نظام، ماهیت و اصول نظام و قانون اساسی را قبول دارند. البته نسبت به روش‌ها و کارکردها هم انتقاد دارند. این طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان است. شما به کدام می‌گویید اصلاح‌طلب؟ ما اصلاح‌طلب از آقای مجید انصاری داریم تا آقای اکبر گنجی. کدام از اینها اصلاح‌طلب هستند؟ واقعا سخت است. شاید به‌خاطر همین است که آقای پزشکیان گفته من اصولگرا هستم. به نظر بنده آقای پزشکیان تا به الان؛ فردی است که به مبانی نظام و انقلاب معتقد است. فرد متدینی است و به این تعبیر شاید بتوان گفت که اصولگراست. اما اگر بخواهیم بگوییم که روش سیاسی اصولگرایان را در اداره کشور قبول دارند، نه. بخشی از آن را قبول ندارند و شاید منتقد جدی بخش دیگرش هم است. اما فاصله او با طیف سکولار جناح اصلاح‌طلب بسیار زیاد است، یعنی اصلا به آن تعبیر، اصلاح‌طلب نیست.

با توجه به اینکه آقای پزشکیان آذری است، برخی اصرار دارند او را قومیت‌گرا معرفی کنند. برخی دیگر هم سعی می‌کنند این را نقطه مثبت پزشکیان بدانند. نظر شما در این باره چیست؟

ما سیاسیون و ژورنالیست‌ها باید دقت کنیم و اجازه ندهیم تا نوعی قومیت‌گرایی در کشور دامن زده شود. نه در انتخابات‌ها و نه در هیچ موقعیت دیگری. از اول انقلاب هم به اعتقاد بنده همین‌طور بود. شما اگر نگاه کنید، ما در دهه اول انقلاب یک نخست‌وزیر آذری داشتیم. ولی هیچ‌وقت این موضوع بر مسائل اداره کشور سایه نیفکنده بود، یعنی مثلا هیچ‌وقت نخست‌وزیری که آذری‌زبان بود، وزرایش را آذری زبان انتخاب نکرد یا تاکید نکرد که آذری‌زبان است. پس از آن هم ما رئیس جمهور از کرمان، یزد، سمنان و مشهد داشتیم. هیچ‌وقت بعد از انقلاب تلاش نشده که قومیت‌گرایی زنده شود. باید این فضا را به اعتقادم حفظ کرد. بر این مساله که آقای پزشکیان آذری‌زبان است یا سایر کاندیداها از قومیت‌های دیگر نباید تاکید کرد. ممکن است که برخی از آذری‌زبان‌ها به آقای پزشکیان رای دهند اما نه به این دلیل که هم‌قومیت هستند بلکه صلاحیت او را بهتر بدانند. ممکن است هم برخی دیگر از مردم آذری‌زبان ما به سایر کاندیداها رای دهند. نباید روی آذری‌زبان بودن آقای پزشکیان تاکید کرد. چنین قاعده‌ای وجود ندارد.

اگر هم فرض بگیریم که رئیس جمهور شود، این‌گونه نیست که مدیران کشور را تنها از آذری‌زبان‌ها انتخاب کند. چنین کاری انجام نخواهد شد. ما یک ایران داریم. قاعدتا از تمام آدم‌های ذی‌صلاح دیگر استفاده خواهد کرد. اینجا صلاحیت و کارآمدی مهم است. قومیت مهم نیست. همه قومیت‌ها زیر چتری به نام ایران هستند.

با توجه به تایید صلاحیت آقای پزشکیان، آیا اصلاح‌طلبان جان دوباره‌ای برای حضور در انتخابات می‌گیرند؟ چقدر روی او اجماع وجود دارد؟

در داخل اصلاح‌طلبان قاعدتا به اعتقاد من، اجماع کاملی روی آقای پزشکیان نخواهد شد؛ چراکه مبانی آقای پزشکیان خیلی به مذاق برخی از اصلاح‌طلبان خوش نخواهد بود. آنها تعبیر دیگری از او دارند. شاید فکر کنند که به نام اصلاح‌طلبی قرار است کارهای اصولگرایی انجام دهد. منظورم سیاست‌های جناح اصولگرا نیست. بلکه کارهای اصولگرایی است. به هرحال او در چهارچوب نظام حرکت می‌کند و مورد تایید همه اصلاح‌طلب‌ها نخواهد بود. در هر صورت چه مورد تایید همه باشد و چه اینکه مورد تایید بخشی‌شان باشد، ما استقبال می‌کنیم. ما تمایل به این داریم که همه تفکرات سیاسی در جامعه پای میدان بیایند. در انتخابات مشارکت جدی داشته باشند و مشارکت را بالا ببرند. اما شرکت کردن همیشه یک شرط اخلاقی دارد. آن هم این است که اگر یک جریان سیاسی در قدرت شرکت می‌کنند، به الزامات آن قدرت هم پایبند باشد. این یکی از الزامات مهم است، یعنی نباید در قدرت بیاید و بعد به‌گونه‌ای رفتار کند که انگار نمی‌گذارند کار کنند. اگر نمی‌گذارند از اول ثبت‌نام نکنید. اگر ثبت‌نام می‌کنید، یعنی چهارچوب قواعد را قبول دارید. این بحث مربوط به ایران و جمهوری اسلامی نیست. هر کاندیدایی در هر کشور دیگری می‌خواهد در انتخابات شرکت کند، به این معناست که به چهارچوب و قواعد آن نظام معتقد است. باید به چهارچوب‌ها ملزم باشد. اگر در چهارچوب هم قرار بگیرد، بعد هم نق‌زنی نکند. اینها حرف سختی نیست. می‌توانند انتقاد داشته باشند ولی اگر بعد به چهارچوب‌های نظام حمله کنند، به نظر من امر قابل قبولی نیست. البته آقای پزشکیان اگر موفق به کسب آرای مردم شود، به هرحال فردی است که در چهارچوب نظام حرکت کرده. شاید او به لحاظ تجربی، فرد کم‌تجربه‌ای است و به لحاظ کار اجرایی جزء افراد باتجربه کم اجرایی تعریف می‌شود.

ادامه از صفحه۲